



پنهان نام خانوادگی نشانی ایمیل



جلسه پنجم

# آثار و اسرار نماز



مرکز آموزش مجازی دانشگاهیان





## جلسه پنجم

### سر قبله، قیام، رکوع ... تا سلام

واقعاً سرّ و باطن و ملکوت و غیب رو به قبله کردن چیست؟ در روایتی امام صادق(ع) می‌فرماید «اذا استقبل قبله فأیس من الدنيا» یعنی عظمت و بزرگی خدای متعال را ببینیم. روی کن به خدا و عظمت او را ببین. این سرّ و باطن و غیب استقبال است. این می‌شود که نماز برای ائمه ما یک حلاوت دیگری داشته است. تا وقتی این‌طور نماز با این‌طور جزئیات، و اسرار آن را انسان بداند، نماز باید هم جذاب باشد و در زندگی حلاوت پیدا کند.

اما یکی دیگر از اجزای نماز «قیام» است. بگذارید من خیلی کوتاه در این فاصله، سرّ و باطن قیام را هم در نماز بیان کنم. در نماز ما باید بایستیم. امام صادق(ع) با اشاره به وقوف، قیام، و ایستادن انسان در روز جزا در مقابل خدای متعال، سرّ و غیب قیام را این‌طوری بیان می‌کنند، چون می‌دانید یکی از وقوف‌ها و قیام‌های حیاتی زندگی انسان، وقوف انسان در مقابل خدای متعال در قیامت است. قیامت یعنی قیام کردن همه انسان‌ها از قبور، با صور اسرافیل که اسرافیل در صور می‌دمد همه انسان‌ها قیام می‌کنند و در مقابل خدا می‌ایستند و وقوف می‌کنند و باید به اعمال و حرکات و سکنت خودشان پاسخ بدهند. این قیام در نماز، آن قیام است، به یادآورنده آن قیامی است که همه من و شما بایستی در یک مقطع حیاتی در زندگی‌مان آن قیام را تجربه کنیم. لذا امام صادق(ع) فرمود حالا که این قیام، یادآور آن قیام در روز قیامت و محشر کبرا در مقابل خدای متعال است این وقوف و این ایستادن باید همراه خوف و رجا باشد. از طرفی خوف و بیم و ترس، از آلودگی‌ها و گناهان زیادی که هر انسانی به هر حال متأسفانه آلوده به آن می‌شود و از طرفی امید به رحمت بی‌کران خدای متعال که فرمود «إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا» خدای متعال همه گناهان را می‌آمرزد. این هم سرّ قیام، به عنوان یکی از واجبات نماز و یکی از حرکات مهم در حین نماز است.

در این فاصله می‌خواهیم در مورد سرّ رکوع صحبت کنیم. امام صادق(ع) در روایتی به زیبایی اسرار رکوع را بیان می‌کنند. من چند نکته گهربار را خدمت شما عرض می‌کنم که دانستن این معارف فضای کاری و زندگی ما را معطر می‌کند. لذا حضرت فرمودند وقتی روایات ما



برای شما بیان می‌شود این باعث احیای دل‌های شما و نشاط قلب‌های شما می‌شود، آن چیزی که همه ما بدان نیاز داریم، نشاط معنوی برای حرکت مستمر و شاداب در زندگی دنیا به سمت خدای متعال.

امام صادق(ع) یکی از اسرار رکوع را این‌طور بیان فرمودند، فرمودند کسی که رکوع را به نحو احسن بجای آورد خدای متعال سه تا هدیه به او می‌دهد. اولاً؛ «لا یرکع عبدالله رکوعاً علی الحقیقه إلا زینه الله بنور بهائه» خداوند او را با نور شکوه و زیبایی خودش آراسته می‌شود. یعنی خداوند متعال یک نور شکوه و عظمت و بزرگی دارد، زیبایی دارد که به کسی که رکوع را به نحو احسن و کامل بجای آورد هدیه می‌دهد او را به آن نور تزئین می‌کند

جالب است بدانید پیامبر اکرم(ص) به حضرت زهرا(س) یکی از آثار کوچک شمردن نماز را این‌گونه بیان فرمودند، گفتند که کسی که نماز را کوچک بشمارد، زیبایی انسان‌های صالح را از دست می‌دهند، سیمای انسان‌های صالح را از دست می‌دهد. به غیر از این که انسان یک نور معنوی با نماز پیدا می‌کند، از این بیان امام صادق(ع) می‌توان استفاده کرد که رکوع به صورت ویژه به انسان «نور بهاء» - بهاء یعنی شکوه و جمال خدای متعال، زیبایی‌های خدای متعال، نوری که خداوند متعال دارد و آن را به وجه و صورت و وجود انسان رکوع کننده می‌بخشد. خدای متعال کسی که رکوع را به حقیقت خودش بجای آورد در سایه بزرگی خودش قرار می‌دهد.

دیدید وقتی یک دانش آموز ابتدایی در مدرسه، وقتی می‌خواهد تحت محافظت باشد مدام کنار ناظم یا مدیر مدرسه راه می‌رود. کسی می‌خواهد جایگاهش حفظ بشود همیشه همراه جناب آقای مدیر است؟ حالا نمی‌خواهم بگویم این کار درست است یا نه، ولی خب همه این‌طوری هستند می‌روند زیر سایه آن کسی قرار می‌گیرند که قدرت دارد و صاحب منصب است. لذا خدای متعال کسی که رکوع را به نحو احسن انجام می‌دهد زیر سایه خودش می‌گیرد. و چه کسی زیر سایه خدای متعال قرار بگیرد و در مشکلات زندگی، در مسیر زندگی ناکام بماند؟ ممکن نیست.



ثالثاً اگر کسی حقیقت رکوع را بیجا بیاورد تعبیر امام صادق(ع) این است - خدای متعال پوشش و لباس برگزیدگانش را بر او می‌پوشاند. حالا این تعابیر، تعابیر مهمی است که می‌شود روی آن تأمل بیشتری کرد ولی خب مجال جلسه ما شاید این نباشد.

امام صادق(ع) در تعبیر دیگری در بیان یکی از اسرار دیگر نماز، این‌طوری ادامه می‌دهند می‌فرمایند که «الرکوع أول والسجود ثان فمن اتى بمعنى الأول صلح للثاني وفي الرکوع أدب وفي السجود قرب ومن لا يحسن للأدب يصلح للقرب» (مصباح الشریعه/ ص ۸۹) امام صادق(ع) ترتیب بین سجود و رکوع را معنادار می‌دانند. اینجا انشاء... خواهیم گفت در بیان سرّ سجود، از اسرار مهم سجود تقرب و نزدیکی به خدای متعال است همانطور که در آیات قرآن هم آمده است. اما این که رکوع قبل از سجده هست و قبل از سجده ما رکوع را بجا می‌آوریم این یک نکته لطیف دارد که امام صادق به آن اشاره می‌کنند. می‌فرمایند چطور در سجود می‌خواهی به خدای متعال نزدیک بشوی، رکوع، ادب سجود است.

بگذارید برای این که تقریب به ذهن بشود، اشاره به یک نکته عرفی بکنم. شما در عرف، وقتی می‌خواهید با کسی صمیمی بشوید با او ارتباط برقرار می‌کنید و ارتباط برقرار کردن جز از طریق الفاظ و ادب و آداب و آن ادبیاتی که شما انتخاب می‌کنید برای ارتباط با آن شخص، محقق نمی‌شود. یعنی مسیرش این است که اول به او ادب کنید. به او ادب می‌کنید وقتی رفیق گرمابه و گلستان او شدید، آن موقع می‌توانید بگویید که به او نزدیک شدید و صمیمی شدید.

همین نکته عرفی را امام صادق(ع) بیان می‌فرمایند، که رابطه رکوع و سجود، رابطه ادب و صمیمیت است. ادب و نزدیکی است. یعنی شما در رکوع به خدا تعظیم می‌کنید، به خدا اظهار ادب می‌کنید و این ادب مقدمه‌ای است برای صمیمیت و آن نزدیکی، برای آن مقصود اصلی که در سجود می‌خواهد محقق شود. تا ادب نباشد چطور می‌خواهد نزدیکی محقق شود؟ تا رکوع نباشد که به منزله آن ادب نمازگزار است، چطور می‌خواهد آن نزدیکی که در سجود است محقق بشود. بنابراین امام صادق(ع) سرّی دیگر از اسرار زیبای



رکوع را برای ما بیان می‌کنند و چقدر زیبا می‌شود نمازی که این‌گونه است. بیخود نیست که در احوالات او ایس قرنی، آن صحابی پیامبر اکرم (ص) و امیرالمؤمنین (ع) که ظاهراً در جنگ صفین به شهادت رسید، بیان شده که یک شب را می‌گفت «هذه ليله الركوع» امشب شب رکوع است، و شاید کل شب را در رکوع بود.

عرض کردیم که در احوال مرحوم کمپانی، مرحوم آیت‌الله بهجت (رضوان‌الله تعالی علیه) برای حضرت امام نقل کرده بودند که وقتی حضرت آیت‌الله بهجت به قم می‌آیند از ایشان سؤال می‌کنند که از کرامات استاد خود برای ما بیان کنید. ایشان می‌فرمایند استاد ما، مرحوم آیت‌الله اصفهانی که مشهور به کمپانی بودند، مکرر می‌شد که بعد از نماز عشاء تا صبح در سجده بودند، آن کس که آشنا به سرّ نماز هست، از نماز لذّت می‌برد. و این نماز تکلف‌آور نیست. ما می‌دانیم که نماز را بخاطر لذت نمی‌خوانیم بخاطر بندگی می‌خوانیم اما خداوند متعال کنار این بسته انجام تکلیف هدیه‌هایی را قرار داده است من جمله این هدیه که انسان از لذت نماز هم بهره‌مند می‌شود. چند نکته از اسرار رکوع را با استناد به روایات اهل بیت (ع) بیان کردیم.

می‌دانید که یکی از مستحبات رکوع این است، اگر نمی‌دانستید بدانید که این ادب را در رکوع رعایت کنیم و آن این است که پشت بدن کاملاً کشیده باشد یعنی وقتی خم می‌شوید پشت بدن و گردن کاملاً کشیده باشد. در روایت آمده است که مستحب است که در نماز، گردن را بکشید. امام صادق (ع) در نماز در روایتی خیلی زیبا سرّ این امر مستحب در رکوع را بیان می‌کند. می‌فرمایند: «**واستوف رکوعک باستواء ظهرک وانحط عن همتک فی القيام بخدمته إلا بعونه**» این که تو در رکوع خم می‌شوی - من نقل به مضمون معنای این روایت را می‌کنم - این سرّ و باطن آن این است که داری پایین می‌آیی و تنزل می‌کنی از این که بخواهی توهم کنی که نیرو و توان مستقلی داری برای انجام کارهایت و برای سیر زندگی‌ات.

بینید یک نگاه این است، وقتی همه ما صبح از خانه بیرون می‌آییم می‌گوییم اعتماد به نفس دارم من هستم و من، من زندگی‌ام را خوب می‌چرخانم. یک نگاه این است که من نیرو



و قدرت و اعتماد به نفس دارم، اما اعتماد به نفس من در سایه اعتماد به خداست. یعنی بدون این که باور کنم «لا حول ولا قوه الا بالله» من در زندگی نمی‌توانم موفق باشم، من نمی‌توانم مسیرم را به نحو احسن طی کنم. لذا امام صادق (ع) فرمود «**وانحط عن همتك في القيام بخدمته إلا بعونه**» این خم شدن در رکوع، یعنی من کوتاه آمدم از این که بخواهم توهمی به دلم راه بدهم که من در زندگی کارهای هستم. اگر رکوع نماز را با این نگاه بجا بیاوری، نگاهت به زندگی عوض می‌شود. به تعبیر امام صادق (ع) رکوع یعنی این که کوتاه بیا و تنزل کن، «**انحط**» یعنی کوتاه بیا از این که فکر کنی تو در زندگی کارهای هستی! «لا حول ولا قوه الا بالله» هیچ نیرو و قدرتی نیست مگر از خدای متعال. هیچ مؤثری در وجود نیست غیر از خدای متعال. (مصباح الشریعه، ص ۸۹) در بیان سر خم شدن و انحنای در نماز امام صادق (ع) فرمودند.

«رکع السجود» سجود بسیار مهم است و یکی از ارکان مهم نماز است. شاید بگویید یعنی چه مهم است؟ چه فرقی با بقیه افعال دارد؟ وقتی این آیه شریفه را بخوانم حتماً نظرتان عوض می‌شود. آیه ۱۹ سوره علق که می‌فرماید سجده کن و نزدیک شو. از آیاتی هست که سجده آن واجب هست اگر این آیه را بشنویید حتماً باید سجده کنید. خب این آیه دلالت بر چه دارد؟ این آیه دارد می‌گوید که نتیجه «سجود» تقرب و نزدیکی است بخاطر همین هم هست که سجده، در بین افعال نماز یک نقش بی‌نظیر دارد. شاید بگویید بقیه افعال نماز مگر نتیجه‌شان نزدیکی به خدای متعال نیست؟ چرا آن‌ها هم حتماً هست، اما نسبت به بقیه افعال نماز، «سجده» یک نقش جدی دارد لذا خدای متعال به صراحت در آیه ۱۹ سوره علق اشاره می‌فرماید که نتیجه سجده، نزدیکی و صمیمت و انس ویژه و تقرب به خدای متعال است. همان چیزی که ابتدای نماز نیت می‌کنیم و می‌گوییم قربه‌الی‌الله بخاطر نزدیکی به خدا من نماز می‌خوانم، «سجده» آن قله افعال و اذکار نماز برای تحقق نزدیکی به خداوند است.

در روایتی امام صادق (ع) می‌فرمایند: «السجود منتهی العباده من بنی آدم» سجده، نهایت عبادت بنی آدم است. یعنی اگر بخواهید یک فعلی را به عنوان یک عبادات بنده پیدا کنید



که آن غایت و نهایت آن باشد «سجده» است. این عظمت سجده و سرّ را برای ما بیان می‌کند. آدرس این روایت، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۴، ص ۱۷۲

برای سرّی دیگر از اسرار سجود، به این روایت زیبا از امیرالمؤمنین (ع) اشاره می‌کنم. امیرالمؤمنین (ع) حرکت انسان را در دو سجده به نحو بسیار زیبایی تفسیر می‌کنند. شاید این روایت را شنیده باشید چون این روایت مشهوری است. امیرالمؤمنین (ع) در بیان سرّ و باطن دو سجده فرمودند تأویل سجده الولی، سرّ و تأویل و باطن سجده اول این است که در ذهنت خطور بدهی وقتی سرت روی مهر است، و در حال سجده هستی که «منها خلقتنی» خدایا من را از این خاک خلق کردی؛ و وقتی سرت را از سجده اول بالا می‌آوری «و رفع رأسک تأویله» سرّ و باطن این چیست؟ سرّش این است که می‌گوید خدایا «منها خرجتنی» تو من را از خاک خلق کردی و من را از خاک خارج کردی.

تشهد در نمازهای دو رکعتی بعد از سجدتین، بعد از رکعت دوم، و همین‌طور در نمازهای چهاررکعتی، بعد از رکعت چهارم و رکعت پایانی، و در نماز مغرب و در رکعت سوم، بعد از سجده دوم، توسط نمازگزار واجب است که قرائت بشود. که تأویل آن این است که «الحمد لله» و همه سپاس‌ها برای خداست. «أشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له» شهادت می‌دهم که خدایی جز خدای یگانه نیست. «وحده لا شریک له» یکی است و شریکی ندارد. «و اشهد ان محمداً عبده و رسوله» و شهادت می‌دهم که محمد بنده اوست و فرستاده اوست. «اللهم صلّ علی محمد و آل محمد» و در نهایت در انتهای تشهد، صلوات می‌فرستیم بر پیامبر و آل بزرگوارش/.

امام صادق (ع) به زیبایی برای تشهد یک عنوان انتخاب می‌کنند. در بیان سرّ تشهد، و می‌فرمایند که تشهد یک جور ثناء است. چون آغاز تشهد با «الحمد لله» است. تشهد، وجهه اصلی‌اش ثناء و سپاس و ستایش خدای متعال است. لذا امام صادق (ع) می‌فرمایند «تکونوا عبداً له فی السرّ» حالا که می‌خواهی خدا را ستایش کنی باید سعی کنی شناخت خود را نسبت به خدای متعال بیشتر باشد. واقعاً در سرّ و باطن خودت،





در درون خودت بنده او باش. وقتی خدای متعال واجد و شامل همه زیبایی‌هاست، واقعاً اگر همه ما باور کنیم که خدای متعال قادر علی‌الاطلاق است، همه زیبایی‌ها، همه قدرت‌ها، همه خوبی‌ها، همه چیزهایی که آرزوهای ما نزد اوست می‌رویم بنده او می‌شویم و از او می‌خواهیم. لذا امام صادق (ع) می‌فرماید در باطن خودت، در کنه سرّ، تو که می‌خواهی خدا را ثناء بگویی اول خدا را بشناس، بشناس که خدای متعال شایسته بندگی است و فقط به این قول و ادعا اکتفا نکن. لذا امام صادق (ع) فرمود که «تشهد» ثناست، و لازمه ثنا و ستایش خدای متعال، این است که انسان خدای متعال را بهتر بشناسد و اولین قدم شناخت این است که در باطن، و واقع و حقیقت امر، بنده او باشیم. چرا که او شایسته بندگی است. اوست که زیباست، اوست که قادر است، اوست که همه قدرت‌ها تحت قدرت لایزال اوست. با این نگاه اگر کسی تشهد بگوید آن تشهد و آن ثناء و آن ستایش به مقصود خودش رسیده است. به هدف بایسته و شایسته خودش اصابت کرده است. این حقیقتی که پیامبر اکرم (ص) معاذبن جبل را وقتی برای فرمانداری یمن شاید اعزام می‌کردند، فرمودند «ولیکن اکثر همک الصلوه» بیشترین همّت تو معطوف به نماز باشد. این خیلی مهم است. شما فرض کنید استاندار یک استانی را منصوب کنند در نامه خصوصی که او برای او می‌نویسد مثلاً وزیر کشور، بنویسد فلانی این کار خیلی در این استان مهم است و برای موفقیت مدیریت تو کلیدی است! پیامبر اکرم (ص) به معاذ فرمودند، بیشترین همّت تو معطوف به نماز باشد «فإنّها رأس الاسلام بعد الایمان» چرا که سر اسلام بعد از ایمان، نماز است. ببینید نماز چه جایگاه مهمی دارد؟ در بیان اسرار نماز، که این مجال آخر ماست برای بیان اسرار که واقعاً دریایی است که ما واقعاً سعی کردیم مصداق این شعر باشیم که آب دریا را اگر نتوان کشید / هم به قدر جرعه‌ای باید کشید. به قول علما مالایدرک الله لایدرک الله. بایستی از معارف نماز بهره‌مند بشویم.

آخرین مجال مان را اختصاص دادیم به "سلام". سلام هم می‌دانید که خود اهل بیت فرمودند سلام، در واقع کلامی است از کلام‌های انسان، که وقتی نماز را با سلام تمام می‌کنیم در انتهای نماز سلام می‌گوییم با کلام آدمی از نماز خارج می‌شویم.



از این بگذریم می‌خواهم چندتا از اسرار زیبای سلام را در این فرصت کوتاهی که در خدمت شما هستم بیان کنم. با توجه به روایتی که در بیان رازها و بطون و اسرار سلام توسط معصومین(ع) انشاء شده و دست ما رسیده، بعضی از نکات را می‌شود دریافت کرد. ببینید عزیزان، "سلام"، طبق بیانی که خود اهل بیت دارند و اگر شما در لغت هم مراجعه کنید "سلام" یعنی امان؛ سلام دادن یعنی امان دادن. وقتی شما به کسی می‌گویید سلام علیکم یا سلام، یعنی که تو از شرّ من در امان هستی. وقتی او هم به شما جواب می‌دهد، او هم به شما اعلام می‌کند که از شرّ او هم شما در امان هستی. حالا سلام در نماز یعنی چه؟ "سلام" در نماز هم به معنای اعلام "امان" است. در روایات ما گفته شده که وقتی می‌گوییم «السلام علیک ایها النبی و رحمہ اللہ و برکاتہ السلام علینا و علی عبادہ اللہ الصالحین السلام علیکم و رحمہ اللہ و برکاتہ» شما اینجا اعلام امان می‌کنید. اولاً امانی که شما نماز گزار می‌دهید، دوماً امانی که به شما داده می‌شود. چقدر زیباست.

و اما امانی که نماز گزار می‌دهد امانی است، خیلی جالب است، در روایت ما امام صادق(ع) در همان جلد ۶ ص ۱۶۴، در همان روایت اشاره می‌کنند «**و جعلت تسلیم اماناً من ایا** **خلف الصلوه یفسدا**» وقتی می‌گوید والسلام علیکم و رحمہ اللہ و برکاتہ، اعلام می‌کنی که نماز من در امان ماند از هر چیزی که نماز من را فاسد کند. منظور چیست؟ وقتی شما می‌گویید السلام علیکم و رحمہ اللہ و برکاتہ، می‌خواهید اشاره کنید نماز من در امان بود از این که بخواهم در نماز حضور قلب نداشته باشم، در نماز بخواهم ادبی را بجا نیاورم. در نماز بخواهم متوجه معنای آن الفاظی که می‌گویم نباشم. این سرّ سلام است.

پس گفتیم معنای سلام، امان دادن است یا امانی که نماز گزار می‌دهد یا امانی که به نماز گزار داده می‌شود. اما امانی که نماز گزار می‌دهد گفتیم نماز دادن نسبت به نماز است یعنی نماز من ایمن بود از هر گونه مخلّ و چیزی که بخواهد او را بی‌اجر کند، مثل حضور قلب نداشتن.

در روایت دیگر، امام صادق(ع) می‌فرمایند سلام، امان دادن است، شما وقتی می‌گویید السلام علیکم و رحمہ اللہ و برکاتہ، شما نماز دهنده در انتهای نماز، دارید نسبت به دین،



قلب، عقل - این عین روایت است - به دین، قلب، عقل و فرشته‌های محافظ اعمال خودتان اعلام امان می‌کنید. یعنی چه؟ امام صادق (ع) فرمود شما دارید می‌گویید ای دین من، تو از من در امانی، من نمی‌آیم گناه کنم، نمی‌آیم با نگاه حرام دینم را دچار مشکل کنم، نمی‌آیم با غیبت دینم را از ایمنی خارج کنم. ای دل من تو از شر من در امانی. ای عقل من، تو از شر من در امانی، که بخواهم گناه کنم و تو را آلوده کنم، چون عقل مخالفت با گناه دارد. هر چیزی که شر به او حکم کند عقل هم به او حکم می‌کند. «کَلِمَا مَا حَكَمَ بِهِ شَرٌّ حَكَمَ بِهِ عَقْلٌ».

همچنین به فرشته‌هایی که مأمور ثبت اعمال ما هستند. در روایت نقل شده که فرشته‌ها، جالب است که در روایت مشخص شده که در کُنج دهان ما، یک فرشته ثبت کننده حسنات در کنج سمت راست ما، و فرشته ثبت کننده سیئات ما در کنج سمت چپ دهان ما. حالا این‌ها نکاتی دارد، شاید بگوییم یعنی چه در کنج دهان ما، این‌ها نکاتی دارد که در عالم معنا و عالم ملکوت، عالم جبروت و عالم لاهوت، بحث‌های تخصصی خودش را دارد که در مجال دیگری مراجعه کنید، آنجا بیان می‌شود این یک حقیقتی دارد و آن حقیقت این‌گونه بیان می‌شود که امام صادق (ع) می‌گویند، شاید برای ما قابل فهم نباشد.

در هر صورت، می‌گویید ای فرشته‌ها شما در امان هستید از این که بخواهید گناهان من را ثبت کنید، شما از این که آزار ببینید از این که من عصیان کنم و گناه کنم در امان هستید. چقدر خوب است که این نماز ما و این سلام ما، این پیام را برای فرشته‌های ثبت کننده و موکل اعمالمان داشته باشد. در نهایت گفتیم امانی که به نمازگزار داده می‌شود. یعنی چه؟ یعنی این که نمازگزار در انتهای نماز می‌گوید السلام علیکم و رحمه الله و برکاته، دارد به این سلام دادن اعلام می‌کند که من از آتش امان یافتم. البته به شرط این که آن نماز را با حضور خودش بجا آورده باشد.

و نکته آخر که عرایض را در این مجال کوتاه تمام کنم، در شب معراج وقتی به پیامبر اکرم (ص) از جانب خداوند امر شد که بگو السلام علیکم و رحمه الله و برکاته، عنوان سلام انتهای نماز، خطاب رسید به حضرت که، خدای متعال فرمود بدان که من سلام و تحیت



و تو فرزندان رحمت و برکات هستی. یعنی وقتی می‌گوید السلام علیکم و رحمه الله و برکاته، السلام، یعنی خدای متعال، سرّش این است یعنی مصداق اتمّ سلام، خود خدای متعال است. خود خدای متعال مصداق اتمّ امان دادن بندگان از شرّ است. و حضرت پیامبر(ص) ختمی مرتبت و اهل بیت ایشان، برکات هستند که می‌گوییم «السلام علیکم و رحمه الله و برکاته» سلام بر شما و رحمت و برکات خدای متعال، که خدای متعال فرمود مصداق بارز آن، پیامبر اکرم و اهل بیت هستند بر شما باد.